

بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان رضایت از زندگی اعضای هیئت

علمی بازنشسته دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

زهرا زاده غلام^۱، کمال درانی^۲، خدایار ایلی^۳، ولی الله فرزاد^۴، نوروز علی کرم‌دوست^۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی سطح نسبی "رضایت از زندگی" و عوامل عینی موثر بر این شاخص در میان اعضای هیئت علمی بازنشسته دانشگاه‌های سطح شهر تهران می‌باشد. بدین منظور عوامل تاثیرگذار بر این شاخص برحسب ویژگی‌های جمعیت شناختی، اجتماعی و اقتصادی شناسایی شده و سپس مطالعه‌ای پرسشنامه-محور در میان اعضای بازنشسته هیئت علمی دانشگاه‌های تهران انجام شد. داده‌های موجود نشان دهنده سطح نسبتاً بالای رضایت از زندگی در اعضای بازنشسته هیئت علمی است. آزمون آلفای کرونباخ نیز پایایی پرسشنامه مورد نظر را تایید می‌کند. نتایج بدست آمده از برآورد اثر متغیرهای اجتماعی، حاکی از اثر معنادار و منفی متغیرهای سن، سن بازنشستگی و طول دوران بازنشستگی بر سطح رضایت از زندگی است. در مقابل، وضعیت تاهل و رتبه دانشگاهی بر میزان رضایتمندی افراد از زندگی تاثیری مثبت و معنادار داشته است. همچنین حمایت‌های خانوادگی و ارتباطات دانشگاهی و علمی نیز تاثیر مثبتی بر میزان سطح رضایت از زندگی افراد دارند. در نهایت، از میان عوامل اقتصادی مورد بررسی، مستمری بازنشستگی نیز تاثیر مثبت و معناداری بر رضایت از زندگی نمونه مورد مطالعه داشته است.

واژگان کلیدی: رضایت از زندگی، بازنشستگی، اعضای هیئت علمی، عوامل اقتصادی-اجتماعی

^۱ نویسنده مسئول zadehgholam@gmail.com

^۲ استاد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ استاد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۴ دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران

^۵ دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Socio-economic determinants of life satisfaction among Iranian retired professors

Zahra Zadehgholam⁶, Kamal Dorrani⁷, Khodayar Abili⁸, Valiollah
Farzad⁹, Nourozali Karamdoust¹⁰

This paper purports to examine the determinants of subjective well-being (life satisfaction) of retired professors in Iran. In this respect, a questionnaire-based study was done among 350 retired academicians in the public Universities of Tehran. Data were collected using Diener et al.'s Life satisfaction scale. Moreover, we use an ordered logit model to take the ordinal nature of Life satisfaction scale into account. Diener's proxy shows a relatively high level of Life satisfaction among retired professors. The estimated results show a negative and significant effect of age, retirement age and retirement duration on Life satisfaction. On the other hand, marital status and university rank were positively related to life satisfaction of academicians. Also, we found that pension benefit has an important positive effect in determining life satisfaction. In addition, the results indicate that the ones who forced to retire, have lower level of life satisfaction than who had an arbitrary retirement. Finally, we found that post-retirement professional activities also contributed to life satisfaction.

Keywords: Life satisfaction, retired professors, Diener's scale, ordered logit model

⁶ University of Tehran, Tehran, Iran

⁷ Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran

⁸ Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran

⁹ Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, Karazmi University, Tehran, Iran

¹⁰ Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran

احساس خوشبختی و رضایت از زندگی^{۱۱} یکی از مسائل مورد بحث و چالش برانگیز میان اندیشمندان علوم انسانی از جمله اقتصاد، جامعه شناسی و روانشناسی در دهه‌های اخیر بوده است (کانمن و همکاران^{۱۲}، ۱۹۹۹). به ویژه پس از مطالعه استرلین^{۱۳} (۱۹۷۴) اقتصاددانان و دیگر محققین علوم اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای به موضوع رفاه ذهنی^{۱۴} و عوامل تعیین کننده آن داشته‌اند.^{۱۵} مطابق ادبیات نظری در این زمینه، بطور کلی زمانی میتوان از زندگی رضایت داشت که سه شرط زیر برقرار شود: ۱- فرد به اهداف خود در زندگی دست یابد ۲- شرایط دلخواه فرد برای زندگی خود و خانواده اش فراهم باشد. ۳- ایده‌آل‌ها و روبا‌های فرد محقق شود (وینهوفن^{۱۶}، ۱۹۹۶). اما در صورت نیافتن به اهداف مورد نظر، فرد ممکن است دچار ناامیدی و افسردگی گردد. به زبان کمی‌تر، رضایت از زندگی به درجه و نمره‌ای که یک فرد از زندگی خود دارد، اطلاق می‌شود (وینهوفن، ۱۹۹۶). علاوه بر این، دانلوان و هالپرن^{۱۷} (۲۰۰۲)، و لمبرت و دیگران^{۱۸} (۲۰۰۹) نشان می‌دهند که افرادی که راضی‌تر از زندگی خود هستند، از نظر سلامت جسمانی نیز سالم‌تر بوده و همچنین رضایت از زندگی با احتمال تغییر وضعیت شغلی یک فرد^{۱۹} نیز رابطه معکوسی دارد. از این رو، دستیابی به یک تطبیق خوشایند با تغییرات آینده زندگی، چالش بزرگی را در مطالعات پیری شناسی^{۲۰} ایجاد کرده است (لیانگ^{۲۱}، ۱۹۸۲؛ فونر و شواب^{۲۲}، ۱۹۸۱).

¹¹ Life Satisfaction

¹² Kahneman et al.

¹³ Easterlin

¹⁴ Subjective well-being

¹⁵ برای مرور بیشتر بر ادبیات این حوزه به مطالعه صورت گرفته توسط دولان و دیگران (۲۰۰۸) مراجعه کنید.

¹⁶ Veenhoven

¹⁷ Donovan & Halpern

¹⁸ Lambert et al.

¹⁹ turnover intent

²⁰ Gerontology

²¹ Liang

²² Foner & Schwab

بطور ویژه می‌توان بازنشستگی را یکی از نقاط عطف و حساس دوره زندگی هر شخص در نظر گرفت (بارفیلد و مورگان^{۲۳}، ۱۹۷۸). پیش از بازنشستگی، شغل یک فرد فعالیت‌ی است که عموماً دیگر فعالیت‌های زندگی شخص حول آن تنظیم می‌شود. در واقع، شغل فرد در میان دیگر عوامل، هویت اجتماعی، دایره روابط اجتماعی و خانوادگی، احساس تعلق به گروه‌های همسان و ... را در بر می‌گیرد، و بنابراین بعد از بازنشستگی مدت زمانی لازم است تا فرد با شرایط جدید بازنشستگی تطبیق پیدا کند. لازم به ذکر است که شرایط جدید می‌تواند برای عده‌ای خوشایند و برای عده دیگری ناامید کننده باشد که هر کدام ناشی از عواملی است که به بعضی از آنها در ادامه این تحقیق اشاره خواهد شد.

برخی از مطالعات صورت گرفته مانند هیبروک و دیگران^{۲۴} (۲۰۱۵) و راسل^{۲۵} (۱۹۸۴) نشان می‌دهند که رضایت از زندگی یک شخص در طول دوره بازنشستگی به عوامل گوناگونی از قبیل سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال پس از بازنشستگی، میزان مذهبی بودن، درآمد بازنشستگی، سلامت جسمانی و روانی، اوقات فراغت و مدت زمان بازنشستگی بستگی دارد. با توجه به همین تنوع و کثرت عوامل موثر بر میزان رضایت از زندگی در دوران بازنشستگی است که راسل (۱۹۸۴) اذعان می‌دارد که مطالعه رابطه میان رضایت از زندگی دوران بازنشستگی، توجه تعداد کثیری از دانشمندان حوزه علوم اجتماعی با تخصص‌های مختلف را به خود جلب کرده است.

پینکارت و شیندلر^{۲۶} (۲۰۰۷) نیز نشان می‌دهند که اتمام دوره اشتغال ممکن است همراه با از دست دادن نقش اجتماعی موثر در هویت شخصی و وضعیت اجتماعی فرد مذکور باشد و با ایجاد گسستگی از جامعه اثر منفی بر روی رضایت فرد از زندگی اش داشته باشد. با شروع دوره بازنشستگی، اغلب افراد مجبور به خارج شدن از نقش اجتماعی-شغلی خود و یافتن جایگاه اجتماعی جدید در وضعیت

²³ Barfield & Morgan

²⁴ Heybroek et al.

²⁵ Russell

²⁶ Pinquart & Schindler

بازنشستگی می‌شوند که این مساله تا حدودی ناشی از محدودیت‌های بوجود آمده در بازگشت به فعالیت‌های شغلی گذشته می‌باشد (رو^{۲۷}، ۱۹۷۲؛ لطیف^{۲۸}، ۲۰۱۱).

بازنشستگی یک تغییر ساختاری و بنیادین در زندگی هر شخصی می‌باشد. در واقع پیش از بازنشستگی، شغل هر فرد برای او-در میان دیگر عوامل- منبع تامین کننده هویت اجتماعی و احساس اعتماد به نفس، دایره دوستان و همسالان، قدرت و نفوذ اجتماعی و دیگر ویژگی‌های جسمی-روحي فرد می باشد (کانر و دیگران^{۲۹}، ۱۹۸۵). مرور کلی ادبیات حوزه بازنشستگی و رضایت از زندگی نشان می دهد که مطالعات صورت گرفته در این زمینه را می‌توان به دو دسته تقسیم بندی نمود. ۱- مطالعاتی که سطح رضایت از زندگی را در افراد بازنشسته و افراد غیربازنشسته بررسی کرده‌اند (وتیز و تیوس^{۳۰}، ۱۹۹۸؛ چارلز^{۳۱}، ۲۰۰۲). ۲- و نوع دیگر مطالعاتی که عوامل موثر بر رضایت از زندگی را در دوران بازنشستگی بررسی نموده‌اند (کلارک و اسوالد^{۳۲}، ۱۹۹۶؛ لوچاک و گلاتلی^{۳۳}، ۲۰۰۲؛ پنیس^{۳۴}، ۲۰۰۴؛ بورگ و دیگران^{۳۵}، ۲۰۰۶). مطالعه رابطه میان سن و رضایت از زندگی در سالیان گذشته توجه بیشتری را به خود جلب کرده است که نتایج آنها حاکی از وجود رابطه‌ای یو شکل (U-shaped) بین این دو متغیر است (بلانچفلور و اسوالد^{۳۶}، ۲۰۰۸). در مطالعه‌ای دیگر بونسانگ و کلین^{۳۷} (۲۰۱۱) به دنبال بررسی رابطه میان وضعیت شغلی و بازنشستگی افراد بوده‌اند. تمرکز مطالعه آنها به طور مشخص بر دو گروه بازنشستگی اجباری و اختیاری می‌باشد. آنها نشان می‌دهند که بازنشستگی اختیاری اثر معناداری بر رضایت از زندگی نداشته، در حالی که بازنشستگی اجباری باعث کاهش سطح رضایت از زندگی افراد

²⁷ Rowe

²⁸ Latif

²⁹ Conner et al.

³⁰ Wottiez & Theeuwes

³¹ Charles

³² Clark & Oswald

³³ Luchak & Gellatly

³⁴ Panis

³⁵ Borg et al.

³⁶ Blanchflower & Oswald

³⁷ Bonsang & Klein

می‌شود. نحوه بازنشستگی اعضای هیئت علمی نیز در این مطالعه مورد توجه بوده است که در بخش بعدی به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

وتیز و تیوس (۱۹۹۸) با استفاده از داده‌های افراد ۴۳ تا ۶۳ ساله در کشور آلمان نشان دادند که افرادی که زودتر بازنشسته می‌شوند، میزان رضایت بالاتری از زندگی نسبت به شاغلین دارند. هرچند نتایج آنها نشان می‌دهد که افرادی که در سن معمول بازنشسته می‌شوند، دارای میزان رضایت از زندگی مساوی یا کمتری نسبت به شاغلین هستند. در پژوهشی دیگر، چارلز (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که بازنشستگی به طور نسبی باعث کاهش میزان رضایت از زندگی مردان می‌شود.

همانگونه که در موارد بالا نیز دیدیم، اغلب مطالعات در این زمینه صرفاً بر اثر مستقیم بازنشستگی بر رضایت از زندگی افراد بازنشسته و غیربازنشسته تمرکز کرده‌اند و بررسی جامعی از عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر رضایت از زندگی در شاغلین و به طور ویژه بازنشستگان ارائه نشده است. بدین منظور نوع دیگری از تحقیقات علوم اجتماعی و روانشناختی بر مطالعه عوامل تعیین کننده و جزئی تر شرایط بازنشستگی و رضایت از زندگی پرداخته‌اند. در این راستا، بورگ و دیگران (۲۰۰۶) در پژوهشی میزان رضایت از زندگی و ارتباط آن با شرایط زندگی، سلامت عمومی، و ظرفیت خود-مراقبتی^{۳۸} افراد سالمند را بررسی کرده‌اند. آنها ابتدا یک نمونه ۵۲۲ نفری را به صورت تصادفی از یک پیمایش مقطعی انتخاب کرده و سپس با استفاده از "شاخص رضایت از زندگی"^{۳۹} و "برنامه بازنشستگی سالمندان آمریکایی"^{۴۰} به بررسی عوامل موثر بر رضایت از زندگی سالمندان آمریکایی پرداخته‌اند. آنها در می‌یابند که میزان رضایت از زندگی در سالمندان با ظرفیت خود-درمانی پایین، توسط چندین عامل مختلف شامل عوامل اجتماعی، فیزیکی، ذهنی، و مالی تعیین شده که برهم کنش متقابل هر کدام از این عوامل نیز به نوبه خود بر سطح رضایت از زندگی این افراد اثر می‌گذارد. عوامل موثر شناسایی شده در مطالعه بورگ و دیگران (۲۰۰۶) شامل احساس تنهایی، درجه ظرفیت خود-درمانی، سلامت عمومی پایین،

³⁸ Self-care capacity

³⁹ Life Satisfaction Index (LSI)

⁴⁰ Older Americans' Retirement Schedule

احساس نگرانی و منابع مالی ناکافی برای دستیابی به نیازهای افراد می‌شوند. به باور آنها رفع موانع اجتماعی و اقتصادی موثر بر رضایت از زندگی سالمندان از جمله افزایش ظرفیت خود درمانی و ارتقاء سلامت عمومی آنها با بهبود رضایت آنها از زندگی‌شان همراه خواهد شد.

یکی دیگر از عوامل موثر بر سطح رضایت از زندگی افراد میزان مستمری بازنشستگی می‌باشد. به عنوان مثال کلارک و اسوالد (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که نسبت مستمری بازنشستگی افراد به حقوق دریافتی‌شان در دوران اشتغال تاثیر معناداری بر رضایت از زندگی آنها در دوران بازنشستگی دارد. این نسبت در ادبیات بازنشستگی نرخ جایگزینی نامیده می‌شود. لوچاک و گلتلی (۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهند که افزایش "نرخ تعلق پذیری بازنشستگی"^{۴۱} که در واقع به معنای افزایش نرخ جایگزینی و مستمری بازنشستگی است، می‌تواند به کاهش رضایت شغلی افراد انجامیده و از این کانال می‌تواند نقش مهمی در میزان رضایت از زندگی فرد بازنشسته داشته باشد. در واقع در صورت بالا بودن نرخ جایگزینی افراد تمایل بیشتری به بازنشستگی خواهند داشت. در پژوهشی دیگر، پنیس (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های "مطالعه سلامت و بازنشستگی"^{۴۲} ایالات متحده به بررسی تاثیر مستمری های سالیانه^{۴۳} و ثروت افراد بر شاخص‌های رضایت بازنشستگی و افسردگی آنها می‌پردازد. یافته‌های او نشان از تاثیر مثبت مستمری‌های سالیانه بر روی افزایش شاخص رضایت و کاهش علائم افسردگی در گروه بازنشستگان دارد.

از آخرین پژوهش‌های صورت گرفته در مورد رابطه میان بازنشستگی و سطح رضایت از زندگی می‌توان به مطالعه گوری و دیگران (۲۰۱۵) و هیبروک و دیگران (۲۰۱۵) که بر روی نمونه‌ای در کشور استرالیا انجام شده است، اشاره کرد. در واقع بیشتر مطالعات انجام شده به دنبال بررسی رابطه کلی بازنشستگی در گروه‌های مختلف مردم و سطح رضایت از زندگی آنها بوده و مطالعات اندکی در مورد گروه خاص اعضای هیئت علمی بازنشسته دانشگاهها انجام شده است. به عنوان مثال کل و پتن^{۴۴}

⁴¹ Retirement accruals

⁴² Health and Retirement Study (HRS)

⁴³ Annuities

⁴⁴ Kell & Patton

(۱۹۷۸) و ولد^{۴۵} (۱۹۸۱) بر روی سیاستگذاری بازنشستگی و به طور مشخص طراحی و توسعه بسته-های جذاب بازنشستگی برای اساتید دانشگاه‌ها تمرکز کرده‌اند. مطالعات دیگری نظیر اسنو و هاویگرت^{۴۶} (۱۹۷۷) نیز به بررسی روش و الگوی زندگی اساتید دانشگاه در دوران پسابازنشستگی پرداخته‌اند. مطالعات دیگری نظیر دورفمن و دیگران^{۴۷} (۱۹۸۲) نیز وجود دارند که به طور مشخص بر روی اشتغال اساتید در دوران بازنشستگی تمرکز کرده‌اند. در این میان، پژوهش‌های صورت گرفته توسط کایه و مانک^{۴۸} (۱۹۸۴) و اسنو و هاویگرت (۱۹۷۷) به طور ویژه به بررسی جامع‌تر سطح رضایت از زندگی اساتید و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. کایه و مانک (۱۹۸۴) با استفاده از یک تحقیق پیمایشی در می‌یابند که نقش عوامل جمعیتی-اجتماعی نظیر جنسیت و سن در میزان رضایت از زندگی اساتید بازنشسته کاملاً مهم و معنادار می‌باشد. آنها همچنین به اثر معنادار عوامل اقتصادی نظیر درآمد دوران بازنشستگی نیز تاکید می‌کنند. در نهایت نیز می‌توان به مطالعه تاکر (۲۰۱۲) نیز اشاره نمود که به دنبال بررسی عوامل موثر بر رضایت از زندگی بازنشستگان دانشگاهی کشور ترکیه بوده است.

پژوهش حاضر با تمرکز بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی که در ادبیات تجربی آمده است به بررسی و تبیین آثار این عوامل بر سطح رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌پردازد. علاوه بر متغیرهایی که در مرور ادبیات تجربی به آنها اشاره شد، برخی از متغیرهای دیگر نیز مورد واکاوی قرار گرفته اند که شرح مبسوط داده‌های به کار گرفته شده در این پژوهش و مدل تجربی مورد استفاده در بخش بعدی ارائه خواهد شد. بنظر می‌رسد که مسئولین دانشگاه-ها و نهادهای آموزشی توجه کافی به دوران بازنشستگی اعضای هیئت علمی و اداری خود ندارند و دغدغه‌های این افراد برای دستیابی به یک وضعیت رضایت بخش در دوران بازنشستگی، کاملاً قابل درک می‌باشد (جیرای^{۴۹}، ۲۰۱۴). بدین منظور ما در این مطالعه به دنبال بررسی مهمترین عوامل

⁴⁵ Welder

⁴⁶ Snow & Havighurst

⁴⁷ Dorfman et al.

⁴⁸ Kaye & Monk

⁴⁹ Giray

اقتصادی و اجتماعی موثر بر سطح رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌باشیم. به طور مشخص، این مطالعه در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر می‌باشد:

- ۱- عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر سطح رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته کدامند؟
- ۲- کدامیک از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی تاثیر بیشتری بر رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته دارد؟

اگرچه مطالعات زیادی بر روی عوامل تعیین کننده میزان رضایت از زندگی برای افراد در یک جامعه صورت گرفته است، با این وجود مطالعات نسبتاً کمی بر روی تاثیرات بازنشستگی و میزان رضایت از زندگی افراد انجام شده است (بندر ۵۰، ۲۰۰۴؛ لطیف، ۲۰۱۱). در همین راستا و به طور خاص، مطالعات صورت گرفته بر روی بازنشستگی و رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، از فراوانی بمراتب کمتری برخوردار بوده که این تحقیق به دنبال پرکردن این خلاء در ادبیات علمی مربوطه می‌باشد. ادامه مقاله به صورت زیر است: ابتدا بخش دوم به بررسی ادبیات نظری و تجربی رضایت از زندگی به صورت عام و به طور خاص برای اعضای هیئت علمی می‌پردازد. بخش سوم به توصیف داده‌های به کار گرفته شده در مطالعه و مدل پیشنهادی تجربی پرداخته است. نتایج حاصل از برآوردها در بخش چهارم ارائه شده است. نهایتاً در بخش پنجم جمع‌بندی مطالعه را ارائه نموده‌ایم.

۲. داده‌ها و مدل تجربی

متغیر وابسته در این پژوهش سطح رضایت از زندگی است که متغیری ذهنی است. ابزارهای بسیاری برای سنجش این متغیر ذهنی وجود دارد، اما شاید بهترین و پرکاربردترین ابزار در این زمینه پرسشنامه رضایت از زندگی (SWLS⁵¹) داینر و همکاران⁵² (۱۹۸۵) است⁵³. این پرسشنامه، توسط داینر، ایمونز، لارسن و گریفین برای اندازه‌گیری سطح رضایت از زندگی افراد طراحی شده است. داینر

⁵⁰ Bender

⁵¹ The Satisfaction with Life Scale (SWLS)

⁵² Diener et al.

⁵³ [tps://internal.psychology.illinois.edu/~ediener/SWLS.html](https://internal.psychology.illinois.edu/~ediener/SWLS.html)

خود از پیشگامان پژوهش در حوزه رضایت از زندگی است و نظریات بسیاری در این زمینه ارائه داده است. این پرسشنامه دارای ۵ ماده است که هر ماده در یک طیف لیکرت از ۱ تا ۷ (کاملاً موافقم = ۷ تا کاملاً مخالفم = ۱) نمره گذاری می‌گردد و در نتیجه نمره فرد در مقیاس ۵-۳۵ تعیین می‌گردد. پاسخ دهندگان اظهار می‌دارند که چقدر از زندگی خود راضی اند و یا چقدر زندگی شان به زندگی آرمانی آنها نزدیک است.

مطالعات زیادی بر روی این شاخص صورت گرفته و محققین ویژگی‌هایی نظیر خلاصه بودن، سادگی، حساسیت، و بدون حیطة بودن این شاخص را به عنوان مهمترین نقاط قوت این شاخص در مقایسه با دیگر شاخص‌ها عنوان می‌کنند (ریچ و هیل^{۵۴}، ۲۰۰۸؛ لارانخیرا^{۵۵}، ۲۰۰۹؛ هالتل و گوستاوسن^{۵۶}، ۲۰۰۸). با توجه به سهولت اجرای این پرسشنامه، استفاده از آن در پژوهش‌های مرتبط با رضایت از زندگی بسیار زیاد است. لازم به ذکر است، در این ابزار نمره بالاتر، رضایت بیشتر را نشان می‌دهد و نمره ۳۵-۳۱ به شدت راضی، ۳۰-۲۶ راضی، ۲۵-۲۱ اندکی راضی، نمره ۲۰-۱۵ خنثی، نمره ۱۹-۱۵ اندکی ناراضی، ۱۴-۱۰ ناراضی و نمره ۹-۵ به شدت ناراضی در نظر گرفته می‌شود. لازم به ذکر است که این طبقه‌بندی در نمونه داینر استفاده شده است و ما در مطالعه خود از مقیاس ۵ گزینه‌ای که در مطالعات دیگری نظیر تاکر (۲۰۱۲) انجام شده، استفاده نموده‌ایم. این ۵ سطح لیکرت عبارتند از ۱= کاملاً مخالف، ۲= مخالف، ۳= ممتنع، ۴= موافق، ۵= کاملاً موافق. به این ترتیب در این مطالعه شاخص رضایت از زندگی عددی در بازه ۵ تا ۲۵ خواهد بود. بازه ۲۱-۲۵ معرف به شدت راضی، ۲۰-۱۶ راضی، ۱۵ خنثی، ۱۴-۱۰ ناراضی، ۹-۵ به شدت ناراضی هستند. و پرسش‌های مطرح شده در این پرسشنامه جهت برآورد سطح رضایت از زندگی به شرح زیر است:

(۱) زندگی من در اکثر موارد به آرمان‌هایم نزدیک بوده است.

(۲) شرایط زندگی من عالی است.

⁵⁴ Ridge & Hill

⁵⁵ Laranjeira

⁵⁶ Hultell & Gustavsson

(۳) از زندگی ام راضی هستم.

(۴) تا کنون هر آنچه را که در زندگی می‌خواستم به دست آوردم.

(۵) اگر میتوانستم زندگی دوباره داشته باشم تقریباً هیچ چیز را تغییر نمی‌دادم.

برای انجام مطالعه پیش رو، جامعه آماری حدود ۴۰۰۰ نفر داشته‌ایم که با در نظر گرفتن فرمول نمونه‌گیری استاندارد کوکران^{۵۷}، میزان نمونه مورد نظر حدود ۳۵۰ می‌باشد. در نتیجه نمونه‌ای ۳۵۰ تایی تصادفی از اعضای هیئت علمی بازنشسته دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب شده و پرسشنامه طرح سنجش رضایت از زندگی شامل فرم اطلاعات اجتماعی-جمعیتی و فرم اطلاعات رضایت از زندگی برای آنها فرستاده شده است. از این میزان نمونه، ۳۴۷ نمونه به طور کامل به پرسشنامه پاسخ دادند که در نتیجه نمونه نهایی به ۳۴۷ نفر رسید. در مورد پرسشنامه سطح رضایت از زندگی، میزان صحت و اعتبار این پرسشنامه در مطالعات زیادی نظیر داینر (۱۹۸۴) و وینهوفن (۱۹۹۳) مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج کلی نشان می‌دهند که شاخص‌های ذهنی اگرچه کامل نیستند، اما احساس رضایت فرد را تا حد خوبی منعکس می‌کنند. لازم به ذکر است که ضریب همسانی درونی^{۵۸} داینر حدود ۰.۸ تا ۰.۸۹ برآورد شده است (داینر و دیگران، ۱۹۸۵).، به طور مشابه ضریب اطمینان آلفای کرونباخ برای مطالعه پیش رو برابر ۰.۹ می‌باشد که نشان دهنده سطح بالای پایایی پرسشنامه مذکور است.

۲/۱. داده‌ها

برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز شامل مشخصات اجتماعی-جمعیتی افراد و "رتبه رضایت از زندگی" افراد از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. متغیرهای اقتصادی مانند میزان حقوق بازنشستگی و ویژگی‌های مربوط به دوران بازنشستگی از جمله سال بازنشستگی و طول مدت دوران بازنشستگی نیز از پایگاه داده‌های صندوق بازنشستگی کشوری استفاده شده است. در ادامه با استفاده از جداول توصیفی مهمترین متغیرهای اجتماعی-جمعیتی و کنترلی مربوطه در این مطالعه توصیف خواهند شد

⁵⁷ Cochran's sample size formula: $n = \frac{z^2 pq}{d^2}$

⁵⁸ Internal Consistency

تا تصویری از نمونه مورد مطالعه به دست دهد. جدول ۱ ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۲ نیز اطلاعات مربوط به سن کنونی و بازنشستگی افراد و میزان آخرین حقوق دریافتی آنها در سال ۹۶ نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌شود متوسط سن بازنشستگی اعضای هیئت علمی در حدود ۵۹ سال است. برای صندوق بازنشستگی کشوری که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی مشترک آن هستند، متوسط سن بازنشستگی برای مشترکین آن حدود ۵۱ سال است.

علاوه بر این، متغیرهای اجتماعی دیگری که مشتمل بر جنبه‌های حمایتی و عاطفی خانواده است در پژوهش آمده است که به شرح زیر است:

دیدار با فرزندان : این متغیر ناظر بر روابط خانوادگی افراد بازنشسته است. این متغیر دسته‌ای شامل مقادیر ۱ تا ۳ است که در آن عدد ۱ بیانگر دیدار فرزندان و نوه‌ها در دوره زمانی بیشتر از یکسال ، عدد ۲ بیانگر حداقل یکبار دیدار بین یک ماه و یکسال گذشته، و ۳ نیز حداقل یکبار دیدار با فرزندان و نوه‌ها در کمتر از یک ماه گذشته می‌باشد.

- محل سکونت فرزندان : متغیر دو ارزشی که نشان دهنده نزدیکی و دوری فرزندان از محل سکونت بازنشستگان می‌باشد. ۱ نشان دهنده یکسان بودن محل سکونت بازنشستگان با فرزندان خود و ۰ نشان دهنده متفاوت بودن محل سکونت آنها از یکدیگر است.

- اشتغال پس از بازنشستگی : متغیر دو ارزشی است که معرف وضعیت کنونی اشتغال فرد بازنشسته می‌باشد. مقدار ۱ به معنای شاغل بودن و صفر، عدم اشتغال فرد را نشان می‌دهد.

- اختیاری بودن بازنشستگی : این متغیر دو ارزشی نیز بنا بر تعریف لازیر^{۵۹} (۱۹۸۷) و بونسانگ و کلین^{۶۰} (۲۰۱۱)، نشان دهنده فرآیند بازنشستگی فرد مورد نظر-اجباری (۰) یا اختیاری (۱)- می باشد.

متغیر وابسته در این مطالعه سطح کلی رضایت از زندگی است، و همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، از پرسشنامه داینر برای اندازه گیری آن استفاده شده است. توزیع فراوانی سطح رضایت از زندگی نمونه مورد بررسی در این مطالعه نیز در جدول ۳ آمده است^{۶۱}. در نهایت، شاخص رضایت از زندگی به کار گرفته شده در این مطالعه برابر است با مجموع اعداد لیکرت پرسش های پرسشنامه SWLS. در نتیجه، بازه مقادیر سطح رضایت از زندگی کلی بین ۵ (کمترین) و ۲۵ (بیشترین) می باشد. جدول ۲ توزیع فراوانی نسبی و تجمعی متغیر رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته را نشان می دهد. همان طور که از جدول زیر مشاهده می شود حدود ۲۳ درصد از نمونه آماری مورد بررسی از زندگی خود ناراضی و یا بسیار ناراضی هستند. در مقابل حدود ۳۴ درصد آنها از زندگی خود به شدت راضی هستند. در ادامه و در بخش های بعدی به بررسی عوامل موثر بر رضایت زندگی این افراد پرداخته خواهد شد.

همان طور که مشاهده می شود با توجه به ویژگی گسستگی و رتبه ای بودن متغیر رضایت از زندگی از مدل های انتخاب گسسته^{۶۲} به منظور برآورد نتایج استفاده می شود که به تفصیل در ادامه به آن می پردازیم.

۲/۲. مدل آماری

در نگاه اول شاید به نظر برسد که روش برآورد حداقل مربعات معمولی (OLS) به خاطر آسان بودن تفسیر ضرایبشان مناسب تر هستند، با این وجود، استفاده از این روش در قالب مدل های رگرسیونی در حالتی که متغیر وابسته گسسته می باشد، برای برآورد پارامترهای مدل فرض های کلاسیک مربوطه - مانند

⁵⁹ Lazear

⁶⁰ Bonsang and Klein

^{۶۱} برای جزئیات بیشتر در مورد پرسش های پرسشنامه مذکور و توزیع فراوانی پاسخ های داده شده به آنها به پیوست ۱ مراجعه کنید.

⁶² Discrete choice models

فروض استقلال میان متغیرهای مستقل و جمله خطا^{۶۳} و یکسانی پراکندگی جمله خطا^{۶۴} - را نقض می‌کند. البته مشکل اصلی استفاده از روش حداقل مربعات معمولی این است که احتمالات پیش‌بینی شده ممکن است خارج از بازه ۰ و ۱ قرار گیرند (پلمن و لایتنر، ۲۰۰۳). در مطالعه ای دیگر پیل و دیگران (۱۹۹۸) مقایسه‌ای میان مدل‌های رگرسیون معمولی و مدل‌های لوجیت-پروبیت رتبه بندی شده انجام می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که استفاده از روش حداقل مربعات معمولی برای متغیرهای وابسته رتبه‌ای منجر به نتایج گمراه کننده و برآوردهای تورش دار^{۶۵} می‌شوند. به منظور رفع نقایص استفاده از مدل رگرسیون معمولی و روش حداقل مربعات معمولی، مدل رگرسیون لجستیک برای برآورد و تحلیل پارامترهای مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به آنکه، که متغیر وابسته مورد نظر در این پژوهش، سطح رضایت از زندگی، متغیری رتبه‌ای می‌باشد، بنابراین لازم است تا از مدل تعمیم یافته لوجیت یعنی لوجیت رتبه بندی^{۶۶} شده استفاده کنیم. نهایتاً مدل اقتصاد سنجی برآورد شده برای نتایج تحقیق نیز مدل لوجیت رتبه بندی شده خواهد بود.

برای شروع فرض می‌کنیم که X معرف k متغیر مستقل بصورت $X_k = (x_1, x_2, \dots, x_k)$ باشد و Y نیز متغیر وابسته که J مقدار رتبه‌ای به خود می‌گیرد. یعنی: $Y_j < Y_{j+1} \forall j = 1, 2, \dots, J$. همچنین $P(Y = j|x) = \pi_j$ برابر است با احتمال انتخاب تصادفی یک فرد با رضایت j که بستگی به متغیرهای توضیحی X دارد و در این مطالعه شامل محدوده ۵ تا ۲۵ می‌شود.

منطق کاربرد مدل لجستیک استفاده از مقادیر پیوسته مانند نسبت ها و احتمالات می‌باشد که بدین منظور متغیر پنهان Y^* در این گونه مدل ها تعریف شده و سپس ارتباط میان Y^* و Y به صورت زیر تعریف می‌شود:

⁶³ orthogonality

⁶⁴ homoskedasticity

⁶⁵ Biased

⁶⁶ Ordered logit

$$Y = j \text{ اگر تنها و اگر } \theta_{j-1} < Y^* \leq \theta_j$$

که در رابطه بالا θ معرف نقاط قطع می‌باشد. همچنین رابطه خطی میان Y^* و متغیرهای مستقل به صورت زیر می‌باشد:

$$Y^* = x'\beta + \epsilon$$

که اگر رابطه بالا را برحسب احتمالات بنویسیم، ارتباط بین متغیر پنهان و Y به شکل زیر نوشته می‌شود:

$$P(Y \leq j|x) = P(Y^* \leq \theta_j|x) = F(\theta_j - x'\beta)$$

که رابطه بالا را می‌توان بصورت خطی زیر نیز نوشت:

$$F^{-1}(P(Y \leq j|x)) = \theta_j - x'\beta$$

تابع F در معادله بالا، تابع نظری مجهول می‌باشد که اگر این تابع را بصورت تابع نرمال استاندارد در نظر بگیریم، آنگاه مدل ما بصورت پروبیت تعریف می‌شود. همچنین اگر تابع F را بصورت تابع توزیع لجستیک در نظر بگیریم، آنگاه مدل ما لجیت خواهد بود. مزیت این نوع توابع در این است که احتمالات محاسبه شده همیشه در دامنه بین ۰ و ۱ خواهد بود.^{۶۷}

در نهایت مدل اقتصادسنجی این مطالعه که با روش لجیت آن را تخمین خواهیم زد، به صورت زیر می‌باشد:

$$\text{تابع توزیع تجمعی احتمال لجیت به شکل زیر می‌باشد.} \\ \text{Logit}(P(Y \leq j|x)) = \log\left(\frac{p(Y \leq j|x)}{1 - p(Y \leq j|x)}\right) = \log\frac{\pi_1 + \pi_2 + \dots + \pi_j}{\pi_{j+1} + \pi_2 + \dots + \pi_{J-1}} \quad j = 1, \dots, J-1 \\ \text{بنابراین مدل نهایی لجیت به منظور برآورد نتایج به صورت زیر خواهد بود:} \\ \text{Logit}(P(Y \leq j|x)) = \theta_j - x'\beta$$

این مدل مقیاس رتبه ای متغیر وابسته را براساس جمله $x'\beta$ که مستقل از j می‌باشد، به مقادیری پیوسته تبدیل می‌کند.

overall lifesat

$$\begin{aligned}
 &= \beta_1 gender + \beta_2 age + \beta_3 marital + \beta_4 Edu + \beta_5 Rank \\
 &+ \beta_6 child_location + \beta_7 see_child + \beta_8 ex_university \\
 &+ \beta_9 ex_colleague + \beta_{10} teaching + \beta_{11} science_membersip \\
 &+ \beta_{12} lnsalary + \beta_{13} Dyear83 + \beta_{14} interaction_year_salary \\
 &+ \beta_{15} salary_adequacy + \beta_{16} age_difference \\
 &+ \beta_{17} retirement_process + \beta_{18} current_employment
 \end{aligned}$$

۳. نتایج و یافته ها

نتایج حاصل از برآورد مدل لجیت رتبه‌ای در جدول (۴) آمده است. همانگونه که از جدول (۳) نیز مشاهده می‌شود، حدود ۶۳٪ افراد بازنشسته هیئت علمی دارای سطح رضایتی بالاتر از حد متوسط می‌باشند (میانگین رضایت از زندگی عددی معادل ۱۸.۷۹ می‌باشد). لازم به ذکر است که در مطالعات مشابه صورت گرفته نیز سطح رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته بالاتر از متوسط جامعه بوده است. به عنوان مثال، کانر و دیگران (۱۹۸۵) با بررسی نمونه‌ای ۹۰ تایی از اساتید بازنشسته دانشگاه‌های ایالت‌های میانی آمریکا نشان می‌دهند که سطح بالای رضایت از زندگی در آنها تحت تاثیر عواملی نظیر سلامت جسمی-روحي، سطح کافی از استانداردهای زندگی و فرصت ادامه اشتغال در فعالیت‌های حرفه‌ای بوده است. به طور مشابه مطالعه توکر^{۶۸} (۲۰۱۲) حاکی از بالا بودن نسبی سطح رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ترکیه می‌باشد.

همانگونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، از میان متغیرهای جمعیت شناختی تنها متغیرهای سن، طول دوران بازنشستگی، و وضعیت تاهل فرد تاثیر معناداری بر سطح رضایت از زندگی افراد دارد. بدین صورت که با افزایش سن فرد، رضایت از زندگی کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش تعداد سالهای بازنشستگی، رضایت از زندگی تا حدودی کاهش می‌یابد. همچنین نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که

⁶⁸ Toker

افراد متاهل رضایت نسبتاً بالاتری از زندگی خود نسبت به افراد مجرد دارند. این مسئله با نتایج کانر و دیگران (۱۹۸۵) نیز منطبق است. آنها نشان می‌دهند که با افزایش طول دوره بازنشستگی از میزان رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته کاسته می‌شود. از نظر مرتبه علمی نیز نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با افزایش مرتبه علمی سطح رضایت از زندگی نیز افزایش می‌یابد. به این ترتیب، دانشیاران و اساتید تمام سطح بالاتری از رضایت از زندگی نسبت به دیگر اعضای هیئت علمی دارند. همچنین معناداری متغیر طول دوران بازنشستگی در هر دو مدل برآورد شده، نشان دهنده اهمیت قابل توجه این متغیر در رضایتمندی افراد از زندگی شان دارد. شایان ذکر است که در هیچ کدام از مدل‌های برآورد شده در این مطالعه، "جنسیت" تاثیری در میزان سطح رضایت از زندگی نداشته است.

در ستون ۲ جدول نتایج، رابطه میزان روابط و حمایت‌های خانوادگی و سطح رضایت از زندگی مورد واکاوی قرار گرفته است. بدین منظور دو متغیر دو ارزشی محل سکونت فرزندان و دیدار با فرزندان را به عنوان نماگرهایی از این روابط خانوادگی در نظر گرفته‌ایم. نتایج مدل لجیت بر اثر بسیار معنادار و مثبت میزان دیدارهای فرزندان و نوه‌ها بر روی سطح رضایت از زندگی افراد حکایت دارد. به این ترتیب، روابط خانوادگی و صله رحم نقش بسزایی در افزایش سطح رضایت از زندگی این افراد داشته است. در مطالعات مشابه نیز تاثیر این متغیرها مورد تایید قرار گرفته است. به عنوان نمونه اوشیو^{۶۹} (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که روابط خاتوادگی به طور کل و به طور خاص در مورد زنان، تاثیر بسزایی در رضایت از زندگی سالمندان دارد.

بررسی میزان اثرگذاری روابط و حمایت‌های اجتماعی-کاری-سازمانی بر سطح رضایت از زندگی در ستون ۳ جدول آمده است. بدین منظور، متغیرهای دو ارزشی ارتباط با همکاران و دانشگاه قبلی و عضویت در انجمن‌های علمی را به عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل کرده‌ایم. نتایج ستون ۳ جدول (۴) نشان دهنده اثر مثبت و معنادار این گونه روابط بر میزان رضایت از زندگی می‌باشد. بدین صورت که

⁶⁹ Oshio

ارتباط با دانشگاه قبلی و حضور در مجامع علمی، رضایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته را افزایش می‌دهد.

بررسی تاثیر متغیرهای اقتصادی شامل درآمد و کفایت مستمری افراد در ستون ۴ جدول نتایج آمده است. علاوه بر این، برای افرادی که پس از سال ۱۳۸۳ بازنشسته شده‌اند به دلیل افزایش قابل توجه حقوق اعضای هیئت علمی و در نتیجه حقوق مستمری آنها، این سال و تاثیر این افزایش به طور مشخص در قالب یک متغیر دو ارزشی مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده از مدل لجستیک حاکی از اثر مثبت کفایت درآمد مستمری افراد بر سطح رضایت از زندگی آنها است. این اثر مثبت به ویژه برای کسانی که بعد از سال ۸۳ بازنشسته شده‌اند، قابل توجه‌تر بوده است.

نهایتاً ستون ۵ نه تنها کل متغیرهای ارائه شده در ستون‌های قبلی را در خود جای داده است بلکه متغیرهای وضعیت اشتغال پس از بازنشستگی و اختیاری (اجباری) بودن بازنشستگی را نیز لحاظ کرده است. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که اشتغال پس از بازنشستگی اثر مثبت و معناداری بر رضایت از زندگی افراد دارد. به این ترتیب، افرادی که بعد از بازنشستگی نیز شاغل می‌باشند، رضایتمندی بیشتری نسبت به افراد بیکار دارند. همان طور که پیشتر نیز اشاره شد، مطالعاتی در زمینه میزان اثرگذاری فرایند بازنشستگی بر سطح رضایت از زندگی افراد انجام شده است. نتیجه به دست آمد در مورد تاثیر فرایند بازنشستگی بر رضایت از زندگی بازنشستگان حاکی از آن است که افرادی که با اختیار خود بازنشسته شده‌اند از سطح بالاتری از رضایت برخوردار هستند. نتایج بدست آمده در این زمینه، با نتایج مطالعات مشابه نظیر بونسانگ و کلین (۲۰۱۱) مبنی بر اثر منفی بازنشستگی غیراختیاری بر سطح رضایت از زندگی نیز همخوانی دارد. با توجه به این که ستون ۵ تمام متغیرهای کنترل را در بر دارد، نتایج به دست آمده برای بسیاری از متغیرها که در ستون‌های قبلی آمده است تغییری نداشته و همانند گذشته است که در سطور قبلی مورد بحث قرار گرفت.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه استاندارد SWLS و مصاحبه با اعضای هیئت علمی بازنشسته دانشگاه‌های شهر تهران، به دنبال بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی تعیین کننده میزان رضایتمندی آنها از زندگی بوده است. در نهایت با استفاده از نمونه‌ای ۳۴۷ تایی، مدل لجیت برآورد و تاثیر مجموعه ای از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی بر رضایت از زندگی آنها مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج به دست آمده در این مطالعه حاکی از آن است که برخلاف بعضی از مطالعات صورت گرفته نظیر وود و دیگران^{۷۰} (۱۹۸۹) و هرینگ و دیگران^{۷۱} (۱۹۸۴)، جنسیت عامل معناداری در سطح رضایت از زندگی افراد نمی‌باشد. دلیل این امر را می‌توان در تفاوت ارزش‌های اجتماعی و مبانی اعتقادی جستجو نمود که خود تحقیقی جداگانه می‌طلبد. از طرفی نتایج به دست آمده در این مطالعه با یافته‌های براون و دوان^{۷۲} (۲۰۰۷) و نیبر و گیشر^{۷۳} (۱۹۹۹) که بر عدم تاثیر جنسیت افراد بر رضایت از زندگی تاکید دارند، منطبق است. عامل معنادار دیگر سن افراد و طول دوران بازنشستگی است که با افزایش آنها سطح رضایت از زندگی نیز کاهش می‌یابد. این نتیجه با مطالعه توکر (۲۰۱۲) که بر روی دانشگاهیان ترکیه انجام شده و بر اثر معنادار سن تاکید دارد نیز منطبق است. همچنین، نتایج بدست آمده، با مطالعه کانر و دیگران (۱۹۸۵) که تاثیر منفی معنادار طول دوره بازنشستگی بر رضایت از زندگی افراد بازنشسته هیئت علمی تاکید داشته‌اند، مطابقت دارد.

وضعیت تاهل افراد نیز می‌تواند بر میزان رضایت آنها از زندگی تاثیرگذار باشد. نتایج بدست آمده در این مطالعه حاکی از اثر مثبت و معنادار تاهل بر سطح رضایت از زندگی دارد. البته این عامل در مطالعات دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفته که بعضی از آنها نظیر نیبر و گیشر (۱۹۹۹) و لی و دیگران^{۷۴} (۲۰۰۴) بر اثر مثبت تاهل بر رضایت از زندگی تاکید داشته‌اند. بعضی دیگر مانند توکر (۲۰۱۲) نیز نشان

⁷⁰ Wood et al.

⁷¹ Haring et al.

⁷² Brown & Duan

⁷³ Nair & Gaither

⁷⁴ Lee et al.

داده‌اند که وضعیت تاهل فرد تأثیری بر میزان رضایت از زندگی ندارد. البته این امر می‌تواند متأثر از فرهنگ و ساختار جامعه مورد بررسی باشد. رتبه علمی افراد نیز اثر نسبتاً معناداری در سطح رضایتمندی آن‌ها داشته است. بدین صورت که اساتید تمام و دانشیاران، به نسبت سطح بالاتری از رضایت از زندگی نسبت به استادیاران و مربیان دارند. این نتیجه حتی با کنترل متغیر درآمد بازنشستگی برقرار بوده است که حاکی از اهمیت مستقل رسیدن به درجات علمی بالاتر و تأثیر آن بر رشایت از زندگی اعضای هیئت علمی بازنشسته است. نتایج به دست آمده در این مورد، با یافته‌های توکر (۲۰۱۲) نیز همخوانی دارد. روابط و حمایت‌های اجتماعی اعم از روابط خانوادگی و روابط کاری-علمی، تأثیر معناداری بر رضایتمندی افراد از زندگیشان دارد. به طور خاص نتایج به دست آمده حاکی از آن است که میزان دیدار فرزندان و نوه‌ها و ارتباط با دانشگاه و حضور در انجمن‌های علمی، اثر معنادار و مثبتی بر رضایتمندی افراد از زندگی دارد. نتایج به دست آمده توسط نییر و گیشر (۱۹۹۹) نیز بر نقش مثبت ارتباطات و حمایت اجتماعی همسر و دوستان در میزان رضایت از زندگی افراد تأکید می‌کنند.

همچنین نتایج به دست آمده حاکی از آن است که فعالیت‌های کاری بعد از بازنشستگی و وضعیت شغلی فرد، اثر مثبت و معناداری بر میزات رضایت از زندگی فرد دارد. این نتیجه نیز با مطالعه صورت گرفته کانر و دیگران (۱۹۸۵) که بر روی اساتید بازنشسته ایالات متحده صورت گرفته بود نیز مطابقت دارد. نکته دیگر که اثر معناداری بر سطح رضایت از زندگی افراد دارد، فرآیند بازنشستگی می‌باشد که نتایج به دست آمده حاکی از این است که بازنشستگی اختیاری اثر مثبتی بر رضایتمندی افراد دارد. این نکته با یافته بندر (۲۰۰۴) که بر اثرات منفی بازنشستگی اجباری تأکید داشت نیز منطبق است.

در میان متغیرهای بررسی شده، متغیر اقتصادی میزان مستمری بازنشستگی و تحولات میزان آن در سال ۸۳ بوده است که در این مطالعه مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که درآمد افراد-مخصوصاً بازنشستگان پس از سال ۸۳ که درآمد مستمری آنها نسبت به قبل افزایش معناداری را تجربه کرده است- اهمیت معناداری در سطح رضایت از زندگی افراد دارد. به طور کلی نیز مطالعات مشابه صورت گرفته در حوزه بررسی میزان درآمد بر رضایتمندی از زندگی، عموماً، بر نقش

مثبت و معنادار این عامل تاکید داشته‌اند (توکر، ۲۰۱۲: کلارک و اسوالد، ۱۹۹۶: ایواتسوبو و دیگران، ۱۹۹۶).

منابع

- Atchley, R. C. (1985). Social forces and aging: An introduction to social gerontology. Belmont, CA: Wadsworth.
- Barfield, R., & Morgan, J. (1978). Trends in satisfaction with retirement. *The Gerontologist*, 18, 19-23.
- Bender, Keith A. (2004). "The Well-Being of Retirees: Evidence Using Subjective Data." Working Paper No. 2004-24. Chestnut Hill, MA: Center for Retirement Research at Boston College.
- Blanchflower, D. G. and A. J. Oswald (2008). Is well-being u-shaped over the life cycle? *Social Science & Medicine* 66(8), 1733–1749.
- Bonsang, E. and T. J. Klein (2011). Retirement and subjective well-being. Netspar Discussion Paper 04/2010-012, Netspar, Tilburg.
- Borg, C., Hallberg, I. R. and Blomqvist, K. (2006), Life satisfaction among older people (65+) with reduced self-care capacity: the relationship to social, health and financial aspects. *Journal of Clinical Nursing*, 15: 607–618. doi:10.1111/j.1365-2702.2006.01375.x
- Charles, Kerwin K. (2002). "Is Retirement Depressing? Labor Force Inactivity and Psychological Well-Being in Later Life." NBER Working Paper, #9033
- Clark, A. E. & Oswald, A. J. (1996). "Satisfaction and Comparison Income." *Journal of Public Economics*, 61: 359-81.
- Conner, K. A., Dorfman, L. T., & Tompkins, J. B. (1985). Life satisfaction of retired professors: The contribution of work, health, income, and length of retirement. *Educational Gerontology*, 11, 337-347.
- Diener ED, Emmons RA, Larsen RJ, Griffin Sh (1985). The Satisfaction with Life Scale. *J Pers Assess*, 49(1):71-5.
- Donovan, N. & Halpern, D. (2002). Life satisfaction: the state of knowledge and implications for government. Retrieved online on Sep 12, 2011 from <mailto:http://www.cabinetoffice.gov.uk/media/cabinetoffice/strategy/assets/paper.pdf>
- Dorfman, L., Conner, K., Tompkins, J., & Ward, W. (1982). Retired professors and professional activity: A comparative study of three types of institutions. *Research in Higher Education*, 17, 249-266.

- Easterlin, R. A. (1995). Will raising the incomes of all increase the happiness of all?
Journal of Economic Behavior & Organization 27(1), 35–47.
- Foner, A., & Schwab, K. (1981). *Aging and Retirement*. Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Giray, G. C. M. (2014). Life satisfaction of retired educators in the university of eastern philippines. A thesis presented to the faculty of the college of nursing, University of eastern philippines.
- Gorry, A., Gorry, D., Slavov, S., (2015). Does Retirement Improve Health and Life Satisfaction?. NBER Working Paper No. 21326.
- Kahneman, D., E. Diener, and N. Schwarz (Eds.) (1999). *Well-Being: The Foundations of Hedonic Psychology*. New York: Russell Sage Foundation.
- Kaye, L., & Monk, A. (1984). Sex role traditions and retirement from academe. *The Gerontologist*, 24, 420-426.
- Kell, D., & Patton, C. (1978). Reaction to induced early retirement. *The Gerontologist*, 18, 173-179.
- Lambert, E.G., Hogan, N.L., Elechi, O.O., Jiang, S., Laux, J.M., Dupuy, P. & Morris, A. (2009). A further examination of antecedents of correctional staff life satisfaction. *The Social Science Journal*, 46, 689-706.
- Lazear, E. P. (1987, October). Retirement from the labor force. In O. Ashenfelter and R. Layard (Eds.), *Handbook of Labor Economics*, Volume 1 of *Handbook of Labor Economics*, Chapter 5, pp. 305–355. Elsevi
- Liang, J. (1982). Sex differences in life satisfaction among the elderly. *Journal of Gerontology*, 37, 100-108.
- Luchak, A. A. & Gellatly, I. R. (2002). “How Pension Accrual Affects Job Satisfaction.” *Journal of Labor Research*, 23(1): 145-62.
- Michael J. Peel, Mark M.H. Goode, Luiz A. Moutinho, (1998) "ESTIMATING CONSUMER SATISFACTION: OLS VERSUS ORDERED PROBABILITY MODELS", *International Journal of Commerce and Management*, Vol. 8 Issue: 2, pp.75-93.
- Panis, C. W. A. (2004). Annuities and Retirement Well-Being. In Olivia S. Mitchell and Stephen P. Utkus, eds. *Pension Design and Structure: New Lessons from Behavioral Finance*. Oxford: Oxford University Press.
- Pinquart, M., & Schindler, I. (2007). Changes of life satisfaction in the transition to retirement: A latent-class approach. *Psychology and Aging*, 22(3), 442-455.
- Pohlman, J.T., Leitner, D.W., 2003. A comparison of ordinary least Squares and logistic regression. *Ohio Journal of Science* 103 (5), 118–125.
- Rowe, A. (1972). The retirement of academic scientists. *Journal of Gerontology*, 27, 113-118.

- Russell, R. V. (1984). Correlates of life satisfaction in retirement. AM Arbor, MI: University Microfilms International.
- Snow, R., & Havighurst, R. (1977). Life style types and patterns of retirement of educators. *The Gerontologist*, 17, 347-353.
- Takashi Oshio (2012), "Gender differences in the associations of life satisfaction with family and social relations among the Japanese elderly," *Journal of Cross-Cultural Gerontology*, 27(3), pp.259-274.
- Toker, B. (2012). Life satisfaction among academicians: an empirical study on the universities of Turkey. *Social and Behavioral Sciences* 47, 190 – 195.
- Van Praag, B.M.S., P. Frijters, and A. Ferrer-i-Carbonell. (2002). The Anatomy of Subjective Well-being. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 51: 29-49.
- Veenhoven, R. (1996). The study of life satisfaction. In W.E.Saris, R. Veenhoven, A.C. Scherpenzeel, & B. Bunting (Eds.), *A comparative study of satisfaction with life in Europe* (pp.11-48). Budapest.
- Welder, W. (1981). Simulation of institutional incentive plans for faculty early retirement using a behavioral model of retirement decision-making. *Research in Higher Education*, 15, 129-139.
- Wottiez, I. & Theeuwes, J. (1998). "Well-being and Labor Market Status." In Stephen P. Jenkins, Arie Kapteyn, and Barnard M.S. van Praag, eds. *The Distribution of Welfare and Household Production: International Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press: 211-30.

پیوست ۱: پرسشنامه تعیین سطح رضایت از زندگی

سوالات	۱ (کاملاً مخالف)	۲ (مخالف)	۳ (ممتنع)	۴ (موافق)	۵ (کاملاً موافق)
زندگی من در اکثر موارد به آرمانهایم نزدیک بوده است.	%۴۰.۳۲	%۸.۹۳	%۱۰.۳۷	%۵۳.۸۹	%۲۲.۴۸
شرایط زندگی من عالی است.	%۵.۷۶	%۱۵.۲۷	%۱۷.۸۷	%۴۰.۶۳	%۲۰.۴۶
از زندگی ام راضی هستم.	%۱۰.۱۵	%۱۰.۳۷	%۱۱.۲۴	%۵۰.۴۳	%۲۶.۸
تا کنون هر آنچه را که در زندگی میخواستم به دست آوردم	%۲.۳۱	%۱۶.۷۱	%۱۳.۵۴	%۴۶.۶۹	%۲۰.۷۵
اگر میتوانستم زندگی دوباره داشته باشم تقریباً هیچ چیز را تغییر نمیدادم.	%۰.۸۶	%۸.۹۳	%۱۷.۸۷	%۴۸.۴۱	%۲۳.۹۲

جدول ۱: ویژگیهای جمعیتی نمونه

جنسیت	زن	مرد	مجموع کل
وضعیت تاهل	مجرد	4	11
	متاهل	260	319
مدرک تحصیلی	دکتری	166	194
	کارشناسی ارشد	90	134
	کارشناسی	14	19
	استاد	40	45
مرتبه علمی	دانشیار	40	45
	استادیار	99	118
	مربی	91	139

جدول 2: آمار توصیفی متغیرهای عینی

متغیر	تعداد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف از معیار
سن بازنشستگی	۳۴۷	۵۹.۱۶	۷۴	۴۳	۵.۹۳۵
سن کنونی	۳۴۷	۶۸.۸۵	۱۰۰	۵۰	۷.۴۹۰
آخرین حقوق دریافت شده سال ۹۶ (میلیون تومان)	۳۴۷	۵.۴	۱۷.۶	۰.۹۷	۲.۷

جدول 3: توزیع فراوانی متغیر رضایت از زندگی (۵ کمترین و ۲۵ بیشترین)

منبع: محاسبات پژوهشگر

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی نسبی	تعداد	رضایت از زندگی کلی
۰.۵۸	۰.۵۸	۲	۵
۰.۸۶	۰.۲۹	۱	۶
۱.۷۳	۰.۸۶	۳	۸
۴.۰۳	۲.۳۱	۸	۹
۷.۴۹	۳.۴۶	۱۲	۱۰
۹.۸	۲.۳۱	۸	۱۱
۱۴.۷	۴.۹	۱۷	۱۳
۱۸.۱۶	۳.۴۶	۱۲	۱۴
۲۳.۰۵	۴.۹	۱۷	۱۵
۲۷.۶۷	۴.۶۱	۱۶	۱۶
۳۷.۱۸	۹.۵۱	۳۳	۱۸
۴۳.۸	۶.۶۳	۲۳	۱۹
۶۶.۸۶	۲۳.۰۵	۸۰	۲۰
۷۶.۰۸	۹.۲۲	۳۲	۲۱
۸۳.۵۷	۷.۴۹	۲۶	۲۳
۹۰.۲	۶.۶۳	۲۳	۲۴
۱۰۰	۹.۸	۳۴	۲۵

جدول ۴-۹: نتایج حاصل از برآورد عوامل موثر بر رضایت از زندگی اعضای هیأت علمی بازنشسته دانشگاه‌های

دولتی شهر تهران با استفاده از مدل لجیت

متغیر وابسته سطح رضایت از زندگی می باشد.

VARIABLES	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)
جنسیت	-0.0628 (0.256)	-0.0980 (0.259)	-0.175 (0.265)	-0.223 (0.264)	-0.0607 (0.311)
سن بازنشستگی	0.0565*** (0.0203)	0.0583*** (0.0208)	0.0456** (0.0226)	0.0493** (0.0228)	-0.439** (0.224)
سن	-0.395** (0.168)	-0.416** (0.169)	-0.393** (0.176)	-0.408** (0.189)	0.00315*** (0.00151)
مجذور سن	0.00280** (0.00114)	0.00294** (0.00114)	0.00276** (0.00120)	0.00290** (0.00130)	0.0392 (0.0274)
عدم سلامت جسمی	-0.675*** (0.251)	-0.730*** (0.261)	-0.749*** (0.265)	-0.761*** (0.267)	-0.543*** (0.0924)

عدم سلامت روانی	-0.119*** (0.0288)	-0.119*** (0.0292)	-0.117*** (0.0298)	-0.0791** (0.0310)	0.461*** (0.0989)
مجرد	-	0.894 (0.638)	0.975 (0.609)	0.468 (0.655)	-0.296 (0.609)
متاهل	-	1.647* (0.915)	1.684* (0.924)	0.997 (0.981)	0.352 (0.905)
همسر فوت شده	-	0.590 (0.947)	0.701 (0.944)	0.160 (0.982)	-0.0118 (0.854)
استادیار	-	-	0.211 (0.246)	0.105 (0.253)	0.200 (0.255)
دانشیار	-	-	0.664** (0.304)	0.430 (0.328)	0.418 (0.324)
استاد تمام	-	-	0.469 (0.327)	0.177 (0.349)	0.298 (0.400)
ملاقات با فرزندان	-	-	-	0.716*** (0.191)	0.750*** (0.183)
اشتغال کنونی	-	-	-	0.648** (0.314)	1.013*** (0.292)
فرآیند بازنشستگی	-	-	-	0.399* (0.227)	0.261 (0.218)
عضویت در مجامع علمی	-	-	-	0.439** (0.209)	0.151 (0.213)
مستمری دریافتی	-	-	-	-	0.0200 (0.347)
متغیر موهومی سال ۸۳					1.145 (12.38)
تدریس					0.677** (0.316)
تعداد مشاهدات	347	347	347	347	347

Robust standard errors in parentheses: *** p<0.01, ** p<0.05, * p<0.1